

## تحریم‌ها و نقش هند

محمدآریاب افشلی

سابقه «یاری رساندن به ایران در تحریم» منفعتی بی‌بدیل را در تجارت خارجی برای هند به ارمغان آورده است و لذا بعید نیست در دور جدید تحریم‌ها نیز ترجیح سیاستمداران هندی این باشد

حدود یک ماه از شروع مجدد تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران می‌گذرد. از آنجا که در دور قبلی تحریم‌ها یکی دیگر از شرکای تجاری ایران علاوه بر چین، کشور هند بود، در این گزارش تلاش می‌شود ساختار همکاری این کشور با ایران در گذشته و نیز شرایط پس از خروج ایالات متحده از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

هند در دوره گذشته تحریم‌ها با توجه به این که ایران در شرایط اضطرار قرار داشت و برای فروش نفت با کمبود مشتری مواجه بود، خواستار خرید نفت از ایران با ارز ملی خود شد که البته مورد موافقت مقامات ایرانی واقع نشد و سرانجام دو طرف برای بازپرداخت و جوجه حاصل از صادرات نفت بر سر مدلی به توافق رسیدند که مطابق با آن هند ۴۵ درصد از منابع را به روپیه و ۵۵ درصد را به یورو به ایران پرداخت می‌کرد. اما نکته حائز اهمیت در این توافق این بود که هند اجازه بهره‌برداری کامل ایران از منابع روپیه‌ای را نداشته بود و تمایل داشت تا روپیه موجود که عمدتاً در حسابی مشخص نزد بانکی به نام «یو کوبانک» قرار داشت، صرفاً برای صادرات محصولات کشاورزی هند نظیر برنج و چای به ایران مورد استفاده قرار بگیرد. در حالی که هند علاوه بر محصولات کشاورزی، تولیدات صنعتی بعضاً با فناوری‌های بالانیز دارد.

نتیجه همکاری دو کشور تحت شرایط مذکور فروش‌های عمدتاً تسویه، مدت‌دار و اغلب توأم با تخفیف نفت ایران به هند با بازپرداخت‌های قطره‌چکانی یورویی از طرف هند و همچنین سیل واردات برنج هندی به کشور تحت عناوین متنوع با تبلیغات رنگارنگ تلویزیونی در آن مقطع بود. این مکانیسم به هند کمک کرد تا کسری تجاری خود با ایران را از ۱/۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ به ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ کاهش دهد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سابقه «یاری رساندن به ایران در تحریم» منفعتی بی‌بدیل را در تجارت خارجی برای هند به ارمغان آورده است و لذا بعید نیست در دور جدید تحریم‌ها نیز ترجیح سیاستمداران هندی این باشد که یاری از یاران ایران در برابر تحریم‌ها باشند.

گرچه مقامات هند در اولین واکنش رسمی خود به خروج ایالات متحده از برجام و اعمال تحریم‌ها علیه ایران، از توافق هسته‌ای و ادامه پابندی دیگر طرف‌ها به آن حمایت کردند. اما باید به این نکته توجه داشت که مواضع کلی هند در یکی دوده‌ها اخیر در ارتباط با مناقشات ایران و ایالات متحده، عموماً بر محوریت سکوت و اجتناب از مواضع تند و تحریک‌هریک از طرفین استوار بوده است. بدون شک هند در عرصه بین‌المللی خود را نیازمند حمایت‌های سیاسی و همچنین فنی و تکنولوژیکی ایالات متحده می‌بیند.

از این رو با توجه به این موارد و با در نظر داشتن سابقه رفتار هند در دوره گذشته تحریم‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در شرایط پیش رو دلیلی نو تمایل خواهد داشت همکاری‌های دو جانبه خود با ایران را با همان مکانیزم پیشین روپیه-یورو و با محوریت یو کوبانک و یا امثال آن پیش ببرد. به ویژه اگر تعهد اروپا به برجام استمرار داشته باشد، انتقال منابع یورویی از طریق بانک‌های کوچک و متوسط اروپایی که به واسطه حجم محدود ارتباطات مالی با ایالات متحده در معرض تحریم‌ها قرار ندارند، امکان‌پذیر خواهد بود. بدون شک استمرار همکاری دو کشور تحت مکانیزم یاد شده مجدداً منجر به واریز و بلوکه شدن منابع حاصل از فروش نفت ایران در یو کوبانک و در نتیجه تقویت روپیه و نیز جلوگیری خروج ارز از هند شده و سودها و کمسیون‌های قابل توجهی را برای این بانک به همراه خواهد آورد.

در مجموع با در نظر گرفتن سابقه رفتار هند در دور نخست تحریم‌ها به نظر می‌رسد چندان نمی‌توان به مقاومت آنها در برابر فشارهای ایالات متحده داخوش بود. لذا اگر قرار است از هند به عنوان «یاری از یاران» در دوران تحریم یاد شود، بازنگری در ساختار همکاری با این کشور ضرورتی انکارناپذیر است.

## چالش‌های اجرای قانون منع به کارگیری بازنشستگان آشکار کرد:

## لزوم تغییر رویکرد سیاستگذار به قانونگذاری



محمد ماشین‌چیان  
قانون ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان یک بار دیگر ثابت کرد که در غیاب حاکمیت قانون و در شرایطی که قانون‌گذار درک درستی از چیستی و چه نیستی قانون نداشته باشد، نیت خیر به تنهایی برای اصلاح رویه‌های معیوب کافی نیست. برعکس، در چنین شرایطی هر تلاشی برای اصلاحات در کشور می‌تواند در دسرهای جدیدی ایجاد کرده و ضمن تضعیف نهادهای موجود، درآیندی را که در کشور دور باطل سیاست‌گذاری نام گرفته تکرار کند. در این گزارش، قصد نگارنده تأیید یار دین قانون به خصوص نیست. بر این باورم که در حاشیه تصویب و ابلاغ این قانون می‌شود درس‌های مهمی گرفت و ثابت کرد که رویکرد سیاست‌گذار به قانون‌گذاری نیازمند بازبینی جدی است و در صورت ادامه رویه فعلی، فارغ از تلاش‌های خالصانه سیاست‌گذار، تغییر معنی داری اتفاق نخواهد افتاد.

سال‌ها است که امثال ما راجع به اقتصاد دولتی و برنامه‌ریزی متمرکز و توزیع فرصت و رانت در این دستگاه گفته و هشدار داده‌اند، اما معمولاً این تحلیل‌ها بر چسب لیبرال و بازار آزاد و نظایر آن خورده و جدی گرفته نمی‌شود. اما واکنش بازنشستگان صاحب کرسی و ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان و تلاش ایشان برای باقی ماندن در مجاری بی‌پایان اداری و در شرایطی که قانون‌گذار درک درستی از چیستی و چه نیستی قانون نداشته باشد، نیت خیر به تنهایی برای اصلاح رویه‌های معیوب کافی نیست. برعکس، در چنین شرایطی هر تلاشی برای اصلاحات در کشور می‌تواند در دسرهای جدیدی ایجاد کرده و ضمن تضعیف نهادهای موجود، درآیندی را که در کشور دور باطل سیاست‌گذاری نام گرفته تکرار کند. در این گزارش، قصد نگارنده تأیید یار دین قانون به خصوص نیست. بر این باورم که در حاشیه تصویب و ابلاغ این قانون می‌شود درس‌های مهمی گرفت و ثابت کرد که رویکرد سیاست‌گذار به قانون‌گذاری نیازمند بازبینی جدی است و در صورت ادامه رویه فعلی، فارغ از تلاش‌های خالصانه سیاست‌گذار، تغییر معنی داری اتفاق نخواهد افتاد.

سخت در آن باشد. دوم آنکه حتی فرد متقی نیز همچنان انسان است و همواره در معرض وسوسه‌های انسانی است. وقتی منابع عظیم برای مدت طولانی در اختیار فردی ولو پرهیزکار، قرار گیرد، معمولاً طبیعت بشری او راهی برای توجیه استفاده از این منابع پیدا خواهد کرد یا دست‌کم منتفع شدن از مزایا و امکانات مفصل دستگاه دولتی برایش عادی خواهد شد. غرض در اینجا فرو کاستن از زحمات خالصانه مدیران و مسوولان کشور در چند دهه گذشته نیست. صحبت این است که همه ما انسان هستیم و طبیعت انسان، ایران و اروپا و کارمند و مدیر کل نمی‌شناسد. مضافاً درست است که ایمان و تقوا می‌تواند مدیران را تا حدی از وسوسه حفظ‌کنند اما از آن طرف تمرکز منابع عظیم در اختیار مدیران، آزمونی سخت در کمین ایمان و تقوای ایشان خواهد بود. مهم‌تر از همه آنکه سنج‌های درونی و غیر قابل سنجشی چون تقوی نمی‌توانند

دستگاه طاغوت، انتخاب مدیران و مسوولان پس از انقلاب با در نظر داشتن تقوا و اهلیت ایشان انجام می‌شد. در نگاه نخست انتخاب فرد متقی که بر تمایلات انسانیش افسار زده، باید مشکل را حل کند. اما در عمل این‌طور نشد. علت نخست این بود که نمایش تقوا برای فردی که خیلی سخت نیست، به خصوص اگر پیشرفت شغلی و صعود پلکان ترقی در گرو آن باشد. دوم آنکه حتی فرد متقی نیز همچنان انسان است و همواره در معرض وسوسه‌های انسانی است. وقتی منابع عظیم برای مدت طولانی در اختیار فردی ولو پرهیزکار، قرار گیرد، معمولاً طبیعت بشری او راهی برای توجیه استفاده از این منابع پیدا خواهد کرد یا دست‌کم منتفع شدن از مزایا و امکانات مفصل دستگاه دولتی برایش عادی خواهد شد. غرض در اینجا فرو کاستن از زحمات خالصانه مدیران و مسوولان کشور در چند دهه گذشته نیست. صحبت این است که همه ما انسان هستیم و طبیعت انسان، ایران و اروپا و کارمند و مدیر کل نمی‌شناسد. مضافاً درست است که ایمان و تقوا می‌تواند مدیران را تا حدی از وسوسه حفظ‌کنند اما از آن طرف تمرکز منابع عظیم در اختیار مدیران، آزمونی سخت در کمین ایمان و تقوای ایشان خواهد بود. مهم‌تر از همه آنکه سنج‌های درونی و غیر قابل سنجشی چون تقوی نمی‌توانند

راهگشای سیاست‌گذاری باشند. بنابراین باید رمانتیسیسم را از ساحت سیاست بیرون کرده و با در نظر داشتن واقعیات برای اصلاحات موثر تر در کشور تلاش کنیم. حال اگر طبیعت آدمی چنین است پس تکیه بر بخش خصوصی باید به مراتب خطرناک‌تر باشد. خیر، اقتصاد مدرن وقتی شکل گرفت که فهمیدیم تلاش انسان‌ها برای پیجویی تعلقات خویش به خدمت به جامعه می‌انجامد. آدم اسمیت می‌گوید که: «به خاطر ناز کدلی قصاب و نانوائیست که غذا در سفره داریم، غذا داریم چون ایشان در پی تعلقات خویش هستند.»

سوال اصلی آن است که چه تفاوتی هست میان فعال بخش خصوصی و دیوانسالار بخش دولتی که تلاش اولی برای نفع شخصی به خدمت به خلق می‌انجامد و تلاش دومی برای خدمت به خلق به برآوردن نفع شخصی؟ مکتب انتخاب عمومی پاسخ می‌دهد: همان طبیعت بشری و انگیزه‌های انسانی. کاسب برای نفع شخصی باید در بازار رقابت کرده و کالا و خدماتی ارائه کند که زندگی مردم را بهتر کرده و نسبت به رقبا از مزیتی نسبی برخوردار بوده و حتی المقدور قیمت ارزان‌تر یا کیفیت بالاتری داشته باشد.

دیوانسالار خدمات انحصاری ارائه می‌کند که هیچ رقیبی حق ارائه آنها را ندارد. فعال بخش خصوصی باید تلاش کند با کاهش هزینه‌ها منابع محدود را به بهترین شکل ممکن به اولویت‌ها اختصاص داده و همواره در اصلاح رویه‌های قبلی بکوشد. در حالی که مدیر دولتی برعکس همواره در حال تلاش برای تأمین منابع بیشتر و تعدیل خدمات ارائه شده متناسب منابع موجود است. در یک رستوران یا فروشگاه بهترین جای پارک را برای مشتری نگه می‌دارند. اما در یک اداره یا وزارتخانه بهترین جای پارک همیشه برای عالی‌رتبه‌ترین دیوانسالار نگهداری می‌شود.

موضوع این نیست که کدامیک، مدیر فروشگاه یا مدیر کل وزارتخانه، از خصوصیات انسانی والاتری برخوردار هستند. موضوع این است که اولی برای نفع شخصی حاضر است خودروی شخصی‌اش را چند کوجه آن طرف‌تر پارک کند، اما دومی نه فقط انگیزه‌های برای واگذار کردن پارکینگش به ارباب رجوع ندارد، بلکه هیچ انگیزه‌ای برای رسیدگی به کار ارباب رجوع هم ندارد.

راه انداختن کار پنج، پنجاه، یا پانصد مراجع، کار بیشتر به معنای درآمد بیشتر و زندگی بهتر نیست بلکه به معنای خستگی بیشتر است. حتی برای سالم‌ترین مدیر دولتی، خستگی، این انسانی‌ترین خصوصیت مانعی بر سر راه خدمت است. اما برای مدیر رستوران اینطور نیست. نبرد کسبه با خستگی در ماراتن شب عید این ادعا را ثابت می‌کند.

غرض آنکه هر چند چگونگی توزیع فرصت‌ها میان مسوولان

چگونگی توزیع فرصت‌ها میان مسوولان جای تأمل دارد و قانون منع به کارگیری بازنشستگان تلاشی ستودنی برای اصلاح روال معیوب فعلی است. اما در نهایت چیزی را حل نخواهد کرد. در بهترین سناریوی ممکن مدیران جوان روی همان کرسی‌هایی خواهند نشست که مدیران بازنشسته تا امروز نشسته بودند و همان راهی را خواهند رفته که مدیران پیش از ایشان رفته بودند. این اقتصاد برنامه‌ریزی شده متمرکز است که باید اصلاح شود.

جای تأمل دارد و این قانون تلاشی ستودنی برای اصلاح روال معیوب فعلی است. اما در نهایت چیزی را حل نخواهد کرد. در بهترین سناریوی ممکن مدیران جوان روی همان کرسی‌هایی خواهند نشست که مدیران بازنشسته تا امروز نشسته بودند و همان راهی را خواهند رفته که مدیران پیش از ایشان رفته بودند. این اقتصاد برنامه‌ریزی شده متمرکز است که باید اصلاح شود.

باری، حتی اگر نخواهیم اصل بیماری را در زمان کنیسم و به التیام عوارض آن راضی باشیم، شرط اول قانون‌گذاری در سایه حاکمیت قانون، این است که اصل برابری مردم مقابل قانون‌گذار نیست. بلکه به معنی برابری مردم، اعم از قانون‌گذار و سیاست‌گذار و مجری و حاکم و محکوم، جملگی در مقابل قانون است. قانونی که شمولیت آن متناسب دور یا نزدیک بودن به مناسبات و نهادهای قدرت تغییر کند، اصلاً قانون نیست.

اما مهم‌ترین نکته در این معادله جزئیات قانون مصوب نیست، قوانین خوب در کشور کم نداریم. موضوع اینجا است که این قوانین معمولاً به صورت گزینشی و دلخواهی اجرا می‌شوند یا نمی‌شوند. با توجه به واکنش‌ها از زمان ابلاغ قانون منع به کارگیری بازنشستگان نیز قرار است به همان بلاچار شود و پس از دوره‌ای تلاش‌های غیر شفاف به مرور به فراموشی سپرده شود. امیدواریم که این‌طور نباشد.



تقویت بنیه دفاعی، بازسازی مناطق زلزله‌زده طرح‌های آبرسانی روستایف تولید واکسن سینه‌پهلو و عفونت کودکان و رفع مشکل برق و مقابله با ریزگردهای خوزستان. همچنین در مجموع مبلغی معادل ۱۰ میلیارد و ۸۲۰ میلیون دلار براساس سایر تکالیف محوله به صندوق توسط مراجعه قانونی، به طرح‌های مربوط اختصاص پیدا کرده و مسدود شده است. در این بین می‌توان اشاره کرد به بخشی از منابعی که در سال جاری دولت با توجه به مجوزهایی

## سر نوشت در خواست ۴۰ میلیارد دلار وام ارزی

است. اما علاوه بر این تسهیلات حدود ۱۱ میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار برای اعطای تسهیلات در اجرای طرح‌های ملی مربوط به حوزه آب، خاک و کشاورزی اختصاص پیدا کرده است. بررسی عملکرد این بخش از این حکایت دارد که هشت میلیارد دلار برای طرح‌های مهار و تنظیم آب‌های کشور، یک میلیارد ۵۰۰ میلیون دلار برای طرح‌های احیا و توسعه اراضی کشاورزی استان‌های خوزستان و ایلام، ۵۰۰ میلیون دلار برای طرح‌های آبیاری تحت فشار، ۵۰۰ میلیون دلار برای آبرسانی به روستاها و همچنین ۳۵۰ میلیون دلار برای تکمیل طرح انتقال آب به اراضی سیستان مسدود شده است. همچنین سه میلیارد ۲۰۸ میلیون دلار برای اجرای بند (د) از تبصره (۴) قانون بودجه سال جاری اختصاص پیدا کرده است که طبق این بند قانونی دولت مجاز است حدود ۱۴ هزار و ۳۸۰ میلیارد تومان از منابع صندوق را برداشت کرده و به چند بخش اختصاص دهد از جمله صدا و سیما،

می‌دهد که مبلغ کل تسهیلات ارزی پذیرش شده توسط صندوق (اعلام وصول شده) تا پایان شهریور امسال حدود ۴۰ میلیارد ۳۹۵ میلیون دلار بوده است که از این رقم حدود ۳۷ میلیارد و ۷۴۷ میلیون دلار به مرحله تخصیص رسیده و به عبارتی بانک مرکزی نامه مسدودی آن را صادر کرده است. از مجموع تسهیلات ارزی که مسدود شده حدود ۲۲ میلیارد و ۴۱ میلیون دلار به طرح‌های بخش خصوصی، ۹۴ میلیون دلار برای طرح‌های بخش تعاونی و ۱۵ میلیارد ۴۴ میلیون دلار به طرح‌های بنگاه‌های اقتصادی متعلق به موسسات عمومی غیردولتی و تا ۵۶۹ میلیون دلار در سایر موارد تخصیص یافته است.

از کل مبلغ مسدود شده یعنی از ۳۷ میلیارد و ۷۴۷ میلیون دلار که برای پرداخت تسهیلات از طریق قراردادهای عاملیت ارزی است حدود ۱۶ میلیارد و ۸۶۰ میلیون دلار با همکاری بانک‌های عامل و بانک مرکزی به مرحله پرداخت قطعی به متقاضیان رسیده

از حدود ۴۰ میلیارد دلار در خواست پذیرفته شده از سوی صندوق توسعه ملی برای ارائه تسهیلات ارزی تا کنون حدود ۱۶ میلیارد دلار به بخش‌های مختلف پرداخت شده است.

از سال ۱۳۹۰ که صندوق توسعه ملی به طور رسمی شکل گرفت و در قانون بودجه سهم آن از منابع ناشی از فروش نفت و فراوده‌های آن مشخص شد سالانه بنا به درصد تعیین شده منابع به آن واریز می‌شود و منابع آن در محل‌های تعریف شده در قانون در قالب تسهیلات بکار گرفته می‌شود. تسهیلات صندوق توسعه ملی به دو بخش ارزی و ریالی تقسیم می‌شود و مطابق با اساسنامه صندوق استفاده کنندگان از این تسهیلات را فعالان اقتصادی بخش خصوصی، تعاونی و بنگاه‌های اقتصادی متعلق به موسسات عمومی غیر دولتی تشکیل می‌دهند.

آخرین گزارش از عملکرد صندوق توسعه ملی در پرداخت تسهیلات ارزی نشان

خبر